

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلسه شصت و نهم - 98 /11/28

موضوع: بررسی ادله مشروعیت سنت (15) - آیه (وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ) از دیدگاه مفسرین اهل

سنت!

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله.

پرسش:

این روایت «العلماء ورثة الانبياء» که در منابع ما آمده، خود سنی‌ها هم نقل کردند؟

پاسخ:

بله، آن‌ها هم دارند که:

«وَأَنَّ الْعُلَمَاءَ هُمْ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة:

256، دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د.

مصطفى ديب البغا، ج1، ص 37، ح 67

ولی این فرق می‌کند با:

«نحن معاشر الأنبياء لا نورث ما تركنا صدقة»

الكشف والبيان (تفسير الثعلبي)؛ اسم المؤلف: أبو إسحاق أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبي

النيسابوري الوفاة: 427 هـ - 1035 م ، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان -

1422 هـ-2002 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: الإمام أبي محمد بن عاشور، مراجعة وتدقيق الأستاذ

نظير الساعدي، ج4، ص359

پرسش:

کلمه «علما» در این حدیث، مصداقش خود ائمه (علیهم السلام) است. بعد پیامبر مکرم اسلام، ائمه (علیهم السلام) به عنوان وارث دینی هستند.

پاسخ:

آن يك بحث جدایی است. مرحوم «مجلسی اول» بعد نقل روایت، حرف دارد؛ ولی «مجلسی دوم» چیزی ندارد. این حدیث در «کافی» است و «مرآة العقول» اصلا این را نیاورده است. در «بحار الانوار» جلد 1 صفحه 164 آمده ولی ایشان هیچ توضیحی ندارد؛ اما «محمد تقی مجلسی» مفصل دارد.

آغاز بحث...

در رابطه با شبهاتی که «قرآنیون» دارند مبنی بر عدم مشروعیت سنت و فقط مراجعه به قرآن؛ چند تا آیه را بحث کردیم در سومین آیه:

(وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا)

آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیریید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید.

سوره حشر (59): آیه 7

روایات را عرض کردیم و اقوال بزرگان شیعه را آوردیم، و استناد علما و فقهای ما در ابواب مختلف فقهی را هم به این آیه آوردیم، امروز به مفسران اهل سنت رسیدیم.

«ابن ابی زینین محمد ابن عبدالله» متوفای 399 است آیه **(وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ)** را ذکر می‌کند بعد

می‌گوید:

«نزلت في الغنيمة، ثم صارت بعد في جميع الدين»

اول آيه در غنيمت بود بعد در كل مسائل ديني!

«وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا، وهي بعد في جميع الدين»

تفسير القرآن العزيز؛ اسم المؤلف: أبي عبد الله محمد بن عبد الله بن أبي زمنين الوفاة: 399هـ دار

النشر: الفاروق الحديثة - مصر/ القاهرة - 1423هـ - 2002م ، الطبعة: الأولى، تحقيق: أبو عبد الله

حسين بن عكاشة - محمد بن مصطفى الكنز، ج 4، ص 368

«ماوردی» که هم متکلم است و هم فقیه است و غالباً کارهای کلامی ایشان بیشتر مورد نظر آقايان است،

ایشان چند تا وجه می‌آورد. وجه چهارمی که ایشان ذکر می‌کند:

«أنه محمول على العموم في جميع أوامره ونواهييه لأنه لا يأمر إلا بصلاح ولا ينهى إلا عن فساد»

النكت والعيون (تفسير الماوردي)؛ اسم المؤلف: أبو الحسن علي بن محمد بن حبيب الماوردي

البصري الوفاة: 450هـ دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - لا يوجد ، الطبعة : لا يوجد ،

تحقيق: السيد ابن عبد المقصود بن عبد الرحيم، ج 5، ص 504

«سمعاني» صاحب «الأنساب» آيه را ذکر می‌کند و می‌گوید:

«حث الله تعالى المسلمين في هذه الآية على التسليم لأمر الله تعالى ونهيه»

تعبير خیلی زیبایی است می‌گوید خدای عالم همه مسلمان‌ها را تحریک، وادار و تشویق می‌کند که تسلیم

امر و نهی الهی بشوند.

«لأن المعنى وما أتاكم الرسول عن الله فخذوه، وما نهاكم عن الله فانتهاوا»

آنچه که رسول اکرم از طرف خدای عالم برای شما می‌آورد بگیریید، و آنچه که نهی می‌کند دست بر

دارید.

تفسیر القرآن؛ اسم المؤلف: أبو المظفر منصور بن محمد بن عبد الجبار السمعاني الوفاة: 489هـ دار
النشر: دار الوطن - الرياض - السعودية - 1418هـ - 1997م، الطبعة : الأولى، تحقيق: ياسر بن
إبراهيم و غنيم بن عباس بن غنيم، ج5، ص400

البته این جا به ظاهر قضیه نشان می دهد می خواهد مباحث قرآنی را مطرح بکند ولی این که می گوید:
«وما أتاكم الرسول عن الله»؛ حالا «عن الله» آیا مراد، کتاب الله باشد یا سنت باشد، تقریباً ابهام دارد و مثل
«ماوردی» و دیگران نیست.

«فخر رازی» می گوید:

(وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا) یعنی ما أعطاكم الرسول من الفیء

ایشان این «اتیان» را به معنای «اعطاء» گرفته است یعنی آن چه که پیغمبر از فیء عطا می کند بگیری که
برای شما حلال است و آن چه که شما را از اخذ او نهی می کند نگیری.

دقت کنید فخر رازی چه کار کرده؟ یک کلمه «عن اخذه» آورده و «نهاکم» را فقط به غنائم مقید کرده. بعد
می گوید:

«(وَاتَّقُوا اللَّهَ) فِي أَمْرِ الْفِيءِ (أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ) عَلَى مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ الرَّسُولُ»

بعد در پایان می گوید:

«والأجود أن تكون هذه الآية عامة في كل ما أتى رسول الله ونهى عنه وأمر الفیء داخل في عمومه»

التفسیر الكبير أو مفاتيح الغیب؛ اسم المؤلف: فخر الدين محمد بن عمر التميمي الرازي الشافعي
الوفاة: 604، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1421هـ - 2000م ، الطبعة : الأولى، ج 29،
ص 248

می گوید: بهتر این است که ما بگوییم این آیه عمومیت دارد و اطلاقش تمام دستورات پیغمبر را می گیرد و مسئله غنائم داخل در عموم است. ایشان مشهور به «امام المشککین» است می آید اول تشکیک می کند، آخرش می خواهد وصله بزند!!

«قرطبی» که تفسیرش در حقیقت عصاره تفسیر شش هفت قرن صدر اسلام است می گوید:

«ما أعطاکم من مال الغنیمۃ فخذوه وما نهاکم عنه من الأخذ والغلول فانتھوا»

آنچه که از مال غنیمت به شما می دهد بگیریید و آن چه که نهی می کند از غنیمت یا از کارهای که چپاول باشد از آن دست بردارید.

الجامع لأحكام القرآن؛ اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي الوفاة: 671، دار النشر: دار الشعب - القاهرة، ج 18، ص 17

این قول را «حسن بصری» و دیگران گفتند. «سُدّی» که از مفسران نامی اهل سنت است، ایشان «خذوه» را به معنای «فاقبلوه» گرفته «ومنعمکم» را به معنای «فلا تطلبوه» گرفته و می گوید اگر چنانچه پیغمبر چیزی به شما نداد، نیایید از پیغمبر مطالبه کنید.

«ما أعطاکم من مال الفیء فاقبلوه وما منعکم منه فلا تطلبوه»

الجامع لأحكام القرآن؛ اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي الوفاة: 671، دار النشر: دار الشعب - القاهرة، ج 18، ص 17

آقای «ابن جریج» که از فقهای مشهور این آقایان است و در زمان «عبدالله زبیر» بوده و فقیه «مکه» بود و درباره او دارند:

«ابن جریج الأموی عُبْدُ الْمَلِکِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِیزِ بْنِ جُرَیجٍ : الإِمَامُ، الْعَلَمَةُ، الْحَافِظُ، شَيْخُ الْحَرَمِ»

سير أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - 1413 ، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعیب الأرنؤوط ، محمد نعیم العرقسوسی، ج6، ص325

آقایان هم می‌دانند که ایشان آدم خیلی کم اشتها می‌بوده! 70 یا 80 تا زن صیغه‌ای داشته و می‌گوید هر شب یک لیوان روغن کنجد می‌خورده برای این کارهایش!!

«قال بن عبد الحكم: سمعت الشافعی يقول: استمتع ابن جریج بتسعین امرأة حتى إنه كان يحتقن فی الليلة بأوقية شیرج طلبا للجماع.»

تذكرة الحفاظ، اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدین محمد الذهبی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ج1، ص170 و171

این‌ها شیعه را به خاطر دو تا سه تا پنج تا زن صیغه ای تکفیر می‌کنند ولی «ابن جریج» در هنگام مرگش فرزندان‌ش را جمع کرد لیست خانم‌هایش را هم داد گفت همه این‌ها مادران شما هستند مبادا با این‌ها ازدواج بکنید!!

«قَالَ أَبُو عَسَانَ زُنَيْجٌ: سَمِعْتُ جَرِيْرًا الصَّبِيَّ يَقُولُ كَانَ ابْنُ جَرِيْجٍ يَرَى الْمُتَعَةَ، تَزَوَّجَ بِسِتِّينَ امْرَأَةً. وَقِيلَ: إِنَّهُ عَهَدَ إِلَى أَوْلَادِهِ فِي أَسْمَائِهِنَّ، لِئَلَّا يَغْلَطَ أَحَدٌ مِنْهُمْ وَيَتَزَوَّجَ وَاحِدَةً مِمَّا نَكَحَ أَبُوهُ بِالْمُتَعَةِ»

سير أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - 1413 ، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعیب الأرنؤوط ، محمد نعیم العرقسوسی، ج6، ص331

در هر صورت ایشان «قاضی القضاة مکه» بود و زمان «عبدالله زبیر» بوده و با واژه «مجمع علی ثقة» یاد می‌کردند، می‌گوید:

«وقال ابن جریج ما آتاکم من طاعتي فافعلوا وما نهاکم عنه من معصيتي فاجتنبوه»

فتح القدير الجامع بين فني الرواية والدراية من علم التفسير؛ اسم المؤلف: محمد بن علي بن محمد

الشوكاني الوفاة: 1250، دار النشر: دار الفكر - بيروت، ج 5، ص 198

ایشان کلمه (ما آتاکم الرسول) را در مورد قضیه غنائم جنگی نیاورده؛ «آتا» را از «ایتاء» نگرفته، از «اتیان» گرفته؛ یعنی آنچه که پیغمبر اکرم برای شما می‌آورد؛

«من طاعتي فافعلوا وما نهاکم عنه من معصيتي فاجتنبوه»

هفتمین نظر، نظر «احمد ابن عمار مهدوی» است که متوفای 430 است؛ کتابی هم در «تفسیر»، هم در «کلام» دارد و هم مطالب دیگر دارد، گفته:

«قوله تعالى: (وما آتاکم الرسول فخذوه وما نهاکم عنه فانتهوا) هذا یوجب أن کل ما أمر به النبي

صلی الله علیه وسلم أمر من الله تعالى»

این هم به معنای «اتیان» گرفته نه به معنای «ایتاء»؛ بعد می‌گوید:

«والآية وإن كانت في الغنائم فجميع أوامره صلى الله عليه وسلم ونواهيه دخل فيها»

الجامع لأحكام القرآن؛ اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي الوفاة: 671، دار

النشر: دار الشعب - القاهرة، ج 18، ص 17

می‌گوید: گرچه آیه به ظاهر در غنائم است؛ ولی تمام اوامر پیغمبر چه غنائم، چه غیر غنائم شاملش خواهد شد.

تقریباً می‌شود گفت «قرطبی» آدم نیمه منصفی است، در خیلی از موارد نسبت به آیاتی که در رابطه با ولایت ائمه (سلام الله علیهم اجمعین) و ولایت حضرت امیر است بهتر از دیگران ایشان نظر داده، و آن تعصب باطلی که در بعضی‌ها مثل «ابن کثیر» یا «فخر رازی» بوده این‌طوری نیست.

«ابن کثیر دمشقی» که «سلفی» است و شاگرد «ابن تیمیه» است هم می‌گوید:

«مهما أمرکم به فافعلوه ومهما نهاکم عنه فاجتنبوه»

ایشان (ما آتاکم الرسول) را از «ایتا» نگرفته، از «اتیان» گرفته؛ می گوید: هر چه که پیغمبر امر می کند:

«فافعلوه ومهما نهاکم عنه فاجتنبوه فإنه یأمر بخیر وإنما ینهی عن شر»

تفسیر القرآن العظیم؛ اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی أبو الفداء الوفاة: 774، دار

النشر: دار الفکر - بیروت - 1401، ج 4، ص 337

«بقاعی ابراهیم ابن عمر» متوفای 855 است؛ همان سالی که «بدر الدین عینی» از دنیا رفته و 3 سال بعد

از مرگ «ابن حجر عسقلانی» از دنیا رفته، می گوید:

«قوله: (وما) أي وكل شيء (آتاکم) أي أحضر إليکم وأمكنکم منه (الرسول) أي الكامل في الرسلية

من هذا وغيره (فخذوه) أي فتقبلوه تقبل من حازه (وما نهاکم عنه) من جميع الأشياء (فانتھوا)

لأنه لا ینطق عن الهوی ولا یقول ولا یفعل إلا ما أمره به الله ربه»

نظم الدرر في تناسب الآيات والسور؛ اسم المؤلف: برهان الدین أبي الحسن إبراهيم بن عمر البقاعي

الوفاة: 855هـ، دار النشر: دار الکتب العلمية - بیروت - 1415هـ - 1995م، تحقیق: عبد الرزاق غالب

المهدي، ج 7، ص 523

ایشان این دو تا آیه را کنار هم گذاشت و گفت هم اقوال و هم افعال پیغمبر حجت است.

اینها را عزیزان دقت کنند هر کدام از اینها یک برداشتی دارند؛ برخیها برداشت وسیع و به صورت

اطلاق، و برخیها برداشت خیلی محدود!

ولی غالب مفسرین و فقهای اهل سنت، نظرشان بر این است که این آیه قطعاً در رابطه با غنائم جنگی

است؛ ولی نزولش در غنائم جنگی محدود نمی کند که این اوامر و نواهی رسول اکرم را فقط به مورد غنائم

اختصاص بدهیم؛ بلکه هم در غنائم هم در غیر غنائم، فرمایشات پیغمبر حجت است.

همه آقایان عمدتاً - جز بعضی از خواص این‌ها - از این آیه بر مشروعیت سنت رسول اکرم استدلال می‌کنند.

«غایة الأمانی فی تفسیر کلام ربانی» صفحه 129 هم دارد که:

«(وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا) لا تخالفوه في شيء، ولا تتوهموا في أفعاله وأقواله غير الحق.»

غایة الأمانی فی تفسیر الکلام الربانی؛ المؤلف: أحمد بن إسماعيل بن عثمان الكوراني، شهاب الدين الشافعي ثم الحنفي (المتوفى: 893هـ)، دراسة وتحقيق: محمد مصطفى كوكسو (رسالة دكتوراه)، الناشر: جامعة صاقريا كلية العلوم الاجتماعية - تركيا، عام النشر: 1428 هـ - 2007 م؛ ص 129

«آلوسی» که در کتاب «الأعلام» تألیف «زرکلی» از او به عنوان سلفی یاد کرده است؛ ما یک روز به نمایشگاهی رفته بودیم یکی از بزرگوارانی که ما خیلی به او ارادت داریم و از اساتید خیلی سطح بالا است هم آن‌جا بود، صحبت شد گفت «زرکلی» که کتاب «الأعلام» را نوشته چطور آدمی است؟ گفتم حاج آقا «زرکلی» نیست «زرکلی» است. بعضی وقت‌ها تصور می‌کنند که این اسم «فارسی» یا «ترکی» است.

این کتاب خوبی است دوستان اگر داشته باشند خوب است، به خوبی هم کار کرده است. غالب بزرگان اهل سنت را در چهار پنج خط آورده؛ ولی عمده آن‌چه که ما در مباحث کلامی و ... نیاز داریم، ایشان در آن‌جا آورده است.

یعنی افراد را در آن سه چهار سطر می‌آورد، عصاره این‌که آیا مورد اعتماد بوده، امام بوده، فقیه بوده، متکلم بوده، چه بوده، همه را آورده. من از این کتاب در شرح حال‌ها خیلی استفاده می‌کنم.

ایشان به «آلوسی» هم که می‌رسد می‌گوید:

«کان سلفی الاعتقاد»

الأعلام؛ المؤلف: خير الدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس، الزركلي الدمشقي (المتوفى: 1396هـ)، الناشر: دار العلم للملايين، الطبعة: الخامسة عشرة - أيار / مايو 2002 م؛ ج 7، ص 176

ایشان می‌گوید «زمخشری» در «کشاف» گفته:

«الأجود أن تكون عامة في كل ما أمر به صلى الله تعالى عليه وسلم ونهى عنه وأمر الفيء داخل في العموم»

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني؛ اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: 1270هـ، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج 28، ص 50

بعد ایشان بر حرف «زمخشری» اضافه کرده می‌گوید:

«وذلك لعموم لفظ (ما)

در عبارت (وما آتاكم الرسول) کلمه «ما» یعنی: «كلما آتاكم الرسول» و «واو» هم عاطفه نیست؛ بلکه «واو» در حقیقت می‌گوید این یک جمله معترضه‌ای است که در ذیل آیه احکام غنائم آمده است.

«ولذلك عقب بقوله تعالى: (واتقوا الله)»

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني؛ اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: 1270هـ، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج 28، ص 50

در این جا سه تا مسئله وجود دارد یکی مسئله غنائم جنگی است که:

(مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ)

آنچه را خداوند از اهل این آبادیها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است

سوره حشر (59): آیه 7

در آخرش هم دارد:

(وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ)

آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیریید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است!

سوره حشر (59): آیه 7

می‌گوید کلمه «ما» که بعد از: «ما آتاکم الرسول من الغنائم» است، این عامی است و ذیلی بر جمله قبلی است و ذیل دیگری هم «واتقوا الله» است؛ این «واتقوا الله» در حقیقت تعمیمی بر تعمیم است. این آیه در حقیقت یک قاعده کلی را مطرح می‌کند و از تمام مؤمنین می‌خواهد که تقوای الهی را رعایت کنند و از «شدید العقاب» بودن خدای عالم بترسند.

«فیتناول کل ما یجب أن یتقی»

هر آن چیزی که انسان باید از آن بپرهیزد و اجتناب کند همه را شامل می‌شود.

بعد می‌گوید:

« ویدخل ما سبق له الکلام »

از «واتقوا الله» استفاده می‌کنیم قبل از او:

« وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى؛ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ »

تمام این‌ها داخل هستند؛

« كدخوله في العموم الأول »

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني؛ اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين
السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: 1270هـ، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج
28، ص 50

«عُلیمی مقدسی» که تقریباً می‌شود گفت از علمای بزرگ‌شان در مسائل رجالی است حرف‌های خوبی دارد،
البته آبرو حیثیت رجال اهل سنت را برده؛ در ذهنم نیست اسم کتابش چه است!

ایشان آمده به قدری علمای رجال اهل سنت را لت و پار کرده که هیچی برای این‌ها نگذاشته و خودشان
هم از ایشان به «الإمام» و ... تعبیر می‌کنند.

ایشان می‌گوید این آیه در امر «فیئ» نازل شده ولی بعد از این، آیه در جمیع اوامر نبی و نواهی او هست
پس:

«مَا حَكَمَ بِهِ الشَّارِعُ مُطْلَقًا، أَوْ فِي عَيْنٍ، أَوْ فَعَلَهُ، أَوْ أَقَرَّهُ لَا يُعَلَّلُ بِعِلَّةٍ مُخْتَصَّةٍ بِذَلِكَ الْوَقْتِ»

می‌گوید: اگر پیغمبر حکمی را انجام داد یا در یک مسئله خاصی فعلی را، اقراری را در محضر پیغمبر کاری
انجام دادند حضرت منعی نکرد، همه این‌ها بر مشروعیت این دلالت می‌کند.

به این شکل نیست که ما بگوییم چون پیغمبر در این مورد حکم و اقرار کرده این مختص به این وقت و
مورد است به طوری که بگوییم:

«يزول الحكم مطلقا عند الحنابلة والشافعية، وجوزه الحنفية والمالكية»

تحرير شرح التحرير في أصول الفقه، اسم المؤلف: علاء الدين أبي الحسن علي بن سليمان المرادوي الحنبلي، دار النشر: مكتبة الرشد - السعودية / الرياض - 1421 هـ - 2000 م، الطبعة: الأولى، تحقيق:

د. عبد الرحمن الجبرين، د. عوض القرني، د. أحمد السراج؛ ج 7، ص 3269

بعد بحث آقایان را می‌آورد و می‌گوید «حنابله» و «شافعیه» بر این عقیده هستند که اگر از این مورد بیرون آمدیم، چون حکم، موردش خاص است، اگر این خاص از بین رفت، حکم هم از بین می‌رود؛ ولی «احناف» و «مالکیه» می‌گویند نه، اگر چنانچه آن مورد رفت، حکم از بین نمی‌رود و حکم بر سایر مواردش عمومیت دارد.

آقای «طنطاوی» که یک مدتی هم «رئیس دانشگاه الأزهر» بود و آدم خیلی منصفی است در مباحث شیعه و سنی هم فتاوی خوبی دارد، شبیه فتاوی که بعضی از بزرگان‌شان داشتند؛ ایشان کتابی به نام «التفسیر الوسیط» دارد که حدود سی و اندی جلد است.

پرسش:

می‌گویند ایشان شیعه شده این درست است؟

پاسخ:

نمی‌دانم؛ مشهور است ما هم شنیدیم ولی آیا واقعاً ایشان شیعه شد یا شیعه نشد دقیق نمی‌دانم، مثل قضیه شیعه شدن قاری قرآن‌شان «عبد الباسط» است این‌ها یک شهرت جهانی دارد؛ ولی این‌که خودشان علناً اعلام بکنند نمی‌دانیم. این‌ها «رب مشهور لا اصل له» است.

بله یک کسی مثل «تیجانی» و ... علناً می‌گوید من شیعه شدم و کتاب هم می‌نویسد ما برای حرف‌هایش احترام قائل هستیم؛ ولی این شنیده‌هایی که از این طرف و آن طرف می‌آید این‌ها ملاک نیست.

دوستان اگر دقت کنند «مرکز ابحاث عقائديه» که زیر نظر آیت‌الله العظمی «سیستانی» (حفظه الله) است کتابی جدیداً تحت عنوان «دائرة المعارف» کسانی که مستبصر شده‌اند نوشته‌اند، تا الان دوازده سیزده جلدش چاپ شده و در اینترنت هم گذاشتند.

اسم کتاب «موسوعة من حیات المستبصرین» است. این‌هایی که در این 100-150 سال اخیر شیعه شدند را مطرح کرده است. دوستان مطالعه کنند نکات خیلی زیبایی دارد. این‌که علت استبصارشان چه بوده، علت‌ها خیلی مهم است.

شاید افراد زیادی شیعه می‌شوند؛ ولی به چه دلیل شیعه می‌شوند این مهم است. يك روزی چهار پنج نفر دانشجو از «بندر عباس» پیش ما آمده بودند، گفتند ما پیش شما آمدیم رسماً تشیع‌مان را اعلام کنیم. گفتم شما تحقیق و بررسی کردید؟ گفتند نه! ما در خوابگاه دانشگاه هستیم دیدیم دانشجویهای شیعه آدم‌های خوش اخلاقی هستند ولذا ما تصمیم گرفتیم شیعه بشویم.

گفتم: اگر در یک دانشگاهی رفتید چند تا دانشجوی یهودی بودند، اخلاق‌شان خوب بود می‌روید یهودی می‌شوید؟

گفتم بلند شوید بروید! ما کارخانه شیعه سازی نداریم، هر وقت تحقیق و بررسی کردید و ما سوال می‌کنیم دلیل قاطع و محکمی بر افضلیت مذهب اهل‌بیت دارید، ما حاضر هستیم بر تشیع شما شهادت بدهیم و در غیر این صورت التماس دعا!

بعضی از افراد هستند واقعاً تحت تأثیر اخلاقیات قرار می‌گیرند؛ البته اخلاقیات خوب است:

«كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ»

الكافي (ط - الإسلامية)؛ نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ محقق / مصحح: غفاری

علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الإسلامية تهران، سال چاپ: 1407 ق، نوبت چاپ:

چهارم؛ ج 2، ص 78، ح 14

ولی این‌که انسان با دیدن یک اخلاق از یک عقیده برگردد، با دیدن یک اخلاق دیگری هم از این عقیده بر می‌گردد.

تقریباً چهار پنج سال قبل، یک آقایی از «فرانسه» می‌گفت من هفت تا دین عوض کردم، اول «پروتستان» بودم، بعد رفتم «یهودی» شدم، بعد رفتم «صوفی»، «نقش‌بندی» شدم، بعد رفتم «وهابی» شدم. می‌گفت آخر آمدم مسلمان و شیعه شدم.

الان 5 سال است مستقر شدم و دیگر احساس می‌کنم آن‌چه که من دنبال او بودم که معارف و احکام او مطابق با فطرت باشد، در مکتب اهل‌بیت پیدا کردم. الحق هم همین است به تعبیر آقا امام هشتم (سلام الله علیه):

«فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»

عیون أخبار الرضا (علیه السلام)؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، مصحح: لا جوردی، مهدی،

ناشر: نشر جهان، ج 1، ص 307

ما بیاییم محاسن معارف اهل‌بیت را برای مردم بگوییم؛ ولی این‌که موقع گفتن چهار تا فحش خواهر و مادر و فحش رکیک و لعنتی و سبّی به طرف بار بکنیم قطعاً این‌ها اثر معکوس می‌گذارد.

ما نمی‌توانیم به طرف بگوییم مذهب اهل‌بیت صحیح است، بعد به مقدساتش فحش بدهیم و توهین کنیم و انتظار هم داشته باشیم از ما بپذیرد.

«مفضل ابن عمر» است این را در کتاب «عیون اخبار الرضا» نوشته‌اند با «ابن ابی العوجا» بحث می‌کند. «ابن ابی العوجا» در حقیقت ابتدا شاگرد «ابو حنیفه» بوده است. «ابو حنیفه» هر روز از یک شاخه به یک شاخه دیگر می‌پرید، ایشان ول کرد کلاً از اسلام بیرون رفت.

ایشان با «مفضل» بحث می‌کند و یک مقداری در رابطه با خدای عالم حرف‌های تند گفت «مفضل» شروع کرد هر چه از دهانش در آمد به «ابن ابی العوجا» بار کرد.

«ابن ابی العوجا» برگشت گفت «مفضل!» تو شاگرد امام صادق هستی؟ گفت بله، گفت من با استادت بحث و مناظره کردم، از این بدتر هم گفتم؛ ولی یک مورد امام صادق از این حرف‌هایی که تو داری بار ما می‌کنی بار نکرد.

حداقل شما از استادتان نحوه برخورد با مخالف را یاد بگیرید؛ ولذا این نکته خیلی ظریفی است که ما باید در بحث‌هایمان دقت بکنیم.

در هر صورت...

آقای «طنطاوی» در ذیل آیه «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ، وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» می‌گوید:

«وقوله: آتَاكُمُ مِنَ الْإِتْيَانِ»

می‌گوید: «من الإتيان» نه «من الإيتاء»! عرض کردم کلمه «آتَى»، «اتیان» به معنای آمدن یا آوردن است

(أَتَى أَمْرُ اللَّهِ)

فرمان خدا (برای مجازات مشرکان و مجرمان)، فرا رسیده است!

سوره نحل (16): 1

(وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ)

و کسانی از زنان شما که مرتکب زنا شوند...

سوره نساء (4): آیه 15

در بعضی از جاها است که «اتا» به معنای «اعطا» است. مثل:

(وَأَتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ)

و مال (خود) را، با همه علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می‌کند.

سوره بقره (2): آیه 177

(وَ آتَى الرِّكَاةَ)

و زکات را می‌پردازد!

سوره بقره (2): آیه 177

(وَ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ)

خداوند حکومت و دانش را به او بخشید!

سوره بقره (2): آیه 251

(وَ آتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ)

و چیزی از مال خدا را که به شما داده است به آنان بدهید!

سوره نور (24): آیه 23

ولذا کلمه «آتَى» یا از «اتیان» است یا از «ایطاء» است. همان آیه شریفه:

(وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا)

و حق نزدیکان را بپرداز، و (همچنین حق) مستمند و وامانده در راه را! و هرگز اسراف و تبذیر مکن.

سوره اسراء (17): آیه 26

ایشان می‌گوید:

«آتاکم من الإیتان» است نه «من الإیتا»

«والمقصود به هنا ما جاءهم به الرسول صلى الله عليه وسلم من هدايات وتشريعات، وآداب.

ويدخل في ذلك دخولا أوليا قسمته لفيء بنى النضير بين المهاجرين، دون الأنصار»

بعد می گوید کلمه «آتاکم» که «من الإیتان» است نه «من الإیتاء»

«أى: ما أمرکم الرسول صلى الله عليه وسلم بفعله - أیها المؤمنون - فافعلوه، وما نهاکم عن فعله

فاجتنبوه، واتقوا الله في كل أحوالکم»

ایشان خیلی دقت زیبای دارد.

«فإنه - سبحانه - شديد العقاب لمن خالف أمره»

بعد می گوید:

«ومنهم من جعل (آتاکم) هنا بمعنى أعطاکم من الفيء ، وجعل (نَهَاكُم) بمعنى نهاکم عن الأخذ

منه، وكان صاحب هذا الرأي يستعين على ما ذهب إليه بفحوى المقام»

التفسير الوسيط للقرآن الكريم؛ المؤلف: محمد سيد طنطاوي، الناشر: دار نهضة مصر للطباعة والنشر

والتوزيع، الفجالة - القاهرة، الطبعة: الأولى، ج14، ص 295

می گوید: این که ابتدای امر مربوط به غنائم است، غنائم هم از اعطاء و ممانعت است، از این گرفتند؛ ولی

من «طنطاوی» نظرم است که کلمه «ما آتاکم الرسول» از «ایتاء» نیست، بلکه از «ایتین» است.

این تقریبا کل آنچه را که در رابطه با آیه شریفه:

(وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا)

آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیریید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید.

سوره حشر (59): آیه 7

بود که روایات را خواندیم؛ فرمایشات فقهای شیعه را آوردیم؛ استناد شیعه به این آیه در ابواب مختلف فقهی را آوردیم و حرفهای اهل سنت را هم آوردیم.

از مجموع اینها ثابت بر این که یک اجماعی مرکب از شیعه و سنی است که این آیه شریفه مشروعیت سنت نبی مکرم را تثبیت می کند. «لا شک ولا ریب»!

یعنی ما فرمایشات بزرگان از شیعه و سنی را که آوردیم، 90 درصد اینها یا بیش ترشان گفتند گرچه این آیه در رابطه با غنائم جنگی است؛ ولی اطلاقش تمام موارد غیر غنائم را هم می گیرد.

پرسش:

شان نزول این که این آیه در مورد غنائم جنگی است ظاهراً ما ندیدیم!

پاسخ:

نه، همه آوردند که در مورد غنائم جنگی است «لا شک ولا ریب»! اصلاً ابتدای آیه این است:

(مَا أَقَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ)

آنچه را خداوند از اهل این آبادیها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است.

بعد می گوید:

(وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ)

آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیریید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از

(مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است!

سوره حشر (59): آیه 7

آیه قبلش هم این است:

(وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)

و آنچه را خدا از آنان [= یهود] به رسولش بازگردانده (و بخشیده) چیزی است که شما برای به دست آوردن آن (زحمته نکشیدید)، نه اسبی تاختید و نه شتری؛ ولی خداوند رسولان خود را بر هر کس بخواهد مسلط می‌سازد؛ و خدا بر هر چیز توانا است!

سوره حشر (59): آیه 6

این دو تا آیه، آیه 6 در رابطه با «انفال» است آیه 7 در رابطه با «خمس و غنائم جنگی» است و این کاملاً مشخص است. این دو تا آیه در سوره حشر نکات خیلی زیبایی دارد.

دوستان هم اگر بتوانند هر شب این سوره را بخوانند برکات زیادی دارد، خیلی‌ها توصیه می‌کنند، نمی‌دانم روایت هم داریم یا نه؛ ولی آن‌هایی که اهل دل هستند توصیه می‌کنند هر کس شب قبل از خوابیدن سوره حشر را قرائت کند و مداومت داشته باشد برکات معنوی و شاید مادی هم داشته باشد.

من خودم چندین سال است ملتزم هستم هر شب این سوره را می‌خوانم و برکات زیادی از خواندن سوره حشر دیدم. یکی دو دقیقه هم بیشتر طول نمی‌کشد.

این در حقیقت کل بحث ما بود در باب مشروعیت سنت پیامبر. آیه اولی که ما مطرح کردیم:

(وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ)

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید!

سوره نجم (53): آیه 3

آیه دوم:

(وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ)

و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد!

سوره بقره (2): آیه 129

آیه سوم:

(وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ)

آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است!

سوره حشر (59): آیه 7

آیه چهارم:

(وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ)

اگر او سخنی دروغ بر ما می‌بست...

سوره الحاقه (69): آیه 44

هست که بعضی از آقایان (تَقَوَّلَ عَلَيْنَا) را اعم به قرآن و به غیر قرآن گرفته‌اند. البته من یک مقداری در این‌که به این ترتیب باشد دقت کردم دیدم اگر ما بعضی از چیزهای که داریم اگر این‌ها را جلو بیاندازیم که خیلی صریح و روشن است بهتر خواهد بود. مثل آیه:

(وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ)

و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد!

سوره بقره (2): آیه 129

را که ما قبلا بحث کردیم. بعد ما آیاتی که در تبعیت و اطاعت از پیغمبر داریم این خیلی مهم است یک جا:

(وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ)

و از او پیروی کنید تا هدایت یابید!

سوره اعراف (7): آیه 157

است یک دفعه آیاتی مثل:

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ)

هست. ما پریروز با اساتید جلسه داشتیم می‌گفتند چرا در آیه شریفه اولی الامر:

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ)

اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الأمر [= اوصیای پیامبر] را!

سوره نساء (4): آیه 59

کلمه «اطیعوا» در خدا و پیغمبر تکرار شده، آیا تفاوت دارد یا نه؟ این خودش یک نکته‌ای است که ما وقتی در آیه:

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ)

سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او

سوره مائده (5): آیه 55

وقتی بر ولایت مطلقه خدا و پیغمبر استدلال می‌کنیم، می‌گوییم این‌جا کلمه «ولی» یک بار آمده و سه تا محمول دارد «ولیکم الله»، «ولیکم رسوله»، «ولیکم» آن آقایی که در رکوع انگشتر به سائل می‌دهد.

می‌گوییم اگر بنا بود ولایت در خدا با ولایت در پیغمبر تفاوت باشد کلمه «ولی» تکرار می‌شد مثل آیه «اذن» که می‌گوید:

(قُلْ أَذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ)

بگو: «خوش‌باور بودن او به نفع شماست! (ولی بدانید) او به خدا ایمان دارد؛ و (تنها) مؤمنان را تصدیق می‌کند.

سوره توبه (9): آیه 61

آنجا (يُؤْمِنُ) تکرار شده ولی در یک جا با «باء» تعدی شده، یک جا با «لام» تعدی شده؛ چون قطعاً پیغمبر (يُؤْمِنُ بِاللَّهِ) اش ایمان قطعی است، ولی (وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ)، «ای نفع المؤمنین» است برای این‌که دل‌شان نشکند ولی در ولایت این‌طور نیست در رابطه با:

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ)

بعضی‌ها تشکیک می‌کنند؛ پس اطاعت خدا با اطاعت پیغمبر تفاوت دارد که کلمه «اطیعوا» تکرار شده است. در رابطه با «اطاعة الله» و «اطاعة الرسول» ما هفت - هشت تا آیه در قرآن داریم در بعضی از جاها کلمه:

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ)

«اطیعوا» تکرار شده در سه چهار جا تکرار نشده مثل:

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ)

از خدا و فرستاده (او)

سوره آل عمران (3): آیه 32

آمده است. یا:

(مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ)

کسی که از پیامبر اطاعت کند

سوره نساء (4): آیه 80

باز:

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ)

آمده است. من یک مقداری دقت داشتم با توجه به سوالی که آقایان داشتند دیدم که مفسرین چه شیعه و چه سنی در:

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُوبِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ)

در این جا گرفتند که این (اطیعوا) نه به معنای این است که «اطاعة الله» با «اطاعة الرسول» تفاوت دارد؛ بلکه تأکید است بر این که مردم حتماً از پیغمبر اکرم اطاعت کنند وگرنه «اطاعة الله» و «اطاعة الرسول» هیچ تفاوتی ندارد، به دلیل چندین آیه‌ای که آمده:

(أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ)

و کلمه (اطیعوا) در آن جا تکرار نشده است.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»